

## تشدید تنش در روابط ایران و جمهوری آذربایجان؛ تحریک‌ها و عوامل

g/سرویس آذربایجان

نویسنده و پژوهشگر: ولی کوزه گر

منبع:ایراس

همچنان که روندها به ویژه احضار سفیر جمهوری آذربایجان به وزارت خارجه ایران نشان می‌دهد، تنش‌ها در روابط تهران-باکو به حدی رسیده که بیش از این امکان پنهان کردن آنها در پس ملاحظات دیپلماتیک وجود ندارد. در بین عوامل مختلف و همچنان که در اعتراضیه وزارت خارجه ایران نیز آمده، مساعدت جمهوری آذربایجان به اقدامات ضدایرانی اسرائیل از طریق خاک این کشور علیه تهران بیش از هر مسئله دیگر خشم تهران را برانگیخته است. هرچند این اتهام از سوی مقامات آذری تکذیب شده، اما اعتراف برخی مقامات اسرائیلی به اقدام علیه ایران از خاک جمهوری آذربایجان تأییدی صریح بر این مدعا است.

تامل در روابط کشورهای مختلف جهان موید این نکته است که ترکیبی از متغیرهای ثابت و اصلی با کارکرد دو گانه و چهره ژانوسی خود یعنی درگیری و همکاری در ترکیب با مولفه‌های متغیر و شرایط زمانی حاکم بر دو کشور، منطقه و نظام بین الملل، سرنوشت مناسبات میان کشورها را تعیین می‌کند. بدیهی است روابط ایران و آذربایجان نیز از این قاعده مستثنی نیست. روابط دو کشور طی دو دهه اخیر از یک سو تحت تاثیر متغیرهای ثابتی چون قرابت جغرافیایی، اشتراکات تاریخی و فرهنگی (سابقه تاریخی مشترک هزار ساله)، اشتراکات دینی و قومی و شبکه ارتباطی و ترانزیت کالا و از سویی دیگر تعارض وجود حاکمیت دینی و سکولار در نظام‌های سیاسی دو کشور، اختلاف نظر در مساله رژیم حقوقی دریای خزر، سیاست‌های اقتصادی متفاوت دو کشور در حوزه منابع انرژی و نفت، بحران قره باغ و تنش بین آذربایجان و ارمنستان و نیز عضویت و همکاری آذربایجان با نهادهای یورو-آتلانتیکی و اسرائیل قرار داشته است.

اما به موازات این متغیرهای ثابت، روابط دو کشور در مقطع مختلف تحت تاثیر مولفه‌های متغیر روندهای متفاوتی را تجربه کرده که افزایش تنش در مناسبات ایران و آذربایجان در دو سال اخیر و به ویژه ماه‌های اخیر را باید در این راستا مورد توجه قرار داد. به نظر می‌رسد دلایل افزایش تنش در مناسبات تهران-باکو را باید در سه عامل زیر جستجو کرد. نخستین عامل را باید تاثیر تحولات بهار عربی خاورمیانه بر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه آذربایجان جستجو کرد. تحت تاثیر دومینوی بهار عربی، فعالان و احزاب سیاسی مخالف دولت آذربایجان ونداش؛ از گرایش‌های مختلف لیبرال تا اسلام‌گرا- با انرژی و توان تازه ای فعالیت خود را دنبال نمودند.

هر چند پویای احزاب مخالف تحت تاثیر تحولات بهار عربی مختص آذربایجان نبود و در دو کشور دیگر منطقه قفقاز جنوبی نیز اعتراضات نسبتاً گسترده ای علیه دولت سرژسرسکیان و میخائیل ساکاشویلی صورت گرفت. وجه مشترک همه این اعتراضات، تشبیه نمودن کشورهای منطقه به شرایط کشورهایی چون مصر بود. هر چند رهبران منطقه قفقاز جنوبی بویژه الهام علی یف شدیداً این شباهت را رد می‌کنند. در واقع تحریک تازه احزاب مخالف دولت در آذربایجان را نباید تحت تاثیر سیاست‌های ایران ونداش؛ آن گونه که از سوی محافل رسمی آذری مطرح می‌شود- دانست، بلکه باید آن را تحت تاثیر جو روانی حاصل از تحولات بهار عربی مورد توجه قرار داد.

شرایط سیاسی آذربایجان در طی دو سال گذشته، صحنه تثبیت هرچه بیشتر جایگاه حزب حاکم آذربایجان نوین بر ارکان اصلی کشور از یک سو و کوشش احزاب و جریان‌های مخالف سیاسی برای وادار کردن حکومت به اعطای آزادی‌های بیشتر و انجام انتخابات آزاد و دموکراتیک از سویی دیگر بود. پس از انتخابات پارلمانی در ششم نوامبر 2010 (??-آبان 1390) که منجر به ورود نمایندگان حزب حاکم آذربایجان نوین گردید و احزاب مخالف مهمی چون جبهه خلق، مساوات، دموکرات، جبهه مردمی آذربایجان از تصاحب کرسی‌های پارلمان محروم ماندند، شرایط سیاسی حاکم بر آذربایجان بیش از گذشته وارد فضای اقتدارگرایانه شد؛ به گونه ای که علی کریم لی، رهبر حزب جبهه خلق آذربایجان انتخابات پارلمان را یک نمایش انتخاباتی و علی کرملی، رهبر جبهه مردمی آذربایجان، نظام سیاسی کشور را سلطنتی توصیف کرده بود.

از این رو دولت علی اف از سوی دو دسته از احزاب اسلام‌گرا به دلیل اتخاذ سیاست‌های ضدینی و سکولار و از سوی احزاب لیبرال به دلیل عدم رعایت هنجارها و موازین دموکراتیک مورد انتقاد قرار دارد. از این رو، باکو و سایر شهرهای مهم آذربایجان در سالی که گذشت بارها شاهد برپایی تجمعات اعتراض آمیز احزاب و جریان‌های مخالف دولت بود که در تمام موارد با مخالفت دولت علی اف مواجه شد. همزمانی این اعتراضات با تحولات پرشتاب کشورهای عربی و جنبش‌های اعتراضی مردمی و دموکراسی خواه منطقه خاورمیانه نیز بر تشدید فعالیت معترضان آذری بسیار تاثیر گذار بود. چنانچه پیش تر اشاره شد، این وضعیت تنها مختص آذربایجان نبود و معترضان ارمنی به رهبری روبرت کوچاریان در اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال 2008 و معترضان گرجی نیز در اعتراض به سیاست‌های میخائیل ساکاشویلی اعتراضات گسترده ای برگزار کردند که شبیه سازی شرایط کشور و رهبران سیاسی حاکم به کشورهای منطقه خاورمیانه فصل مشترک همه آن‌ها به شمار می‌رود. اما محافل رسمی آذری بدون توجه به زمینه‌های داخلی اعتراضات و تحولات تاثیرگذار بهار عربی، اتهام تحریک مخالفان و سازماندهی اعتراضات را متوجه کشور همسایه شان ایران ساخته اند؛ امری که تنها افزایش تنش و بی‌اعتمادی را در مناسبات تهران-باکو به دنبال داشت.

اما دومین عامل تاثیرگذار در افزایش تنش را باید تشدید سیاست‌های سیاست‌های ضد دینی دولت آذربایجان در دو سال گذشته دانست. در ابتدای این نوشتار به این نکته اشاره شد که وجود حاکمیت دینی و سکولار در نظام‌های سیاسی دو کشور یکی از موارد تعارض بالقوه در مناسبات دو کشور به شمار می‌رود، اما آنچه موجب تشدید این تعارض شده است اقداماتی نظیر اعلام رسمی ممنوعیت حجاب در مدارس و دانشگاه‌ها و مقابله پلیسی و امنیتی با کسانی که پوشش اسلامی داشته باشند و حتی جلوگیری از ورود افراد محجبه به مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات دولتی و اعمال محدودیت علیه آنها و حتی جلوگیری از الصاق عکس بانوان محجبه بر روی گذرنامه و کارت‌های شناسایی، ممنوعیت رسمی پخش اذان از مساجد و منع شدن دانش‌آموزان و افراد جوان از ورود به مساجد (مشابه اقدام رژیم کمونیستی شوروی سابق) برای شرکت در نمازهای جماعت و ممنوعیت اقامه نماز در مساجد شهرها به ویژه شهر بزرگ مذهبی و تاریخی گنجه، تخریب مساجد به بهانه‌های مختلف و حتی با توسل به زور و تهدید، به عنوان نمونه تخریب مساجد حضرت محمد(ص) در شهر «یاسامال» و حضرت فاطمه زهرا (س) در منطقه «گونشلی» و یا تعطیلی کامل و قفل و بست کردن مسجد بزرگ حضرت فاطمه زهرا (س) در «نخجوان»، اعلام رسمی دولت باکو به طلاب مشغول تحصیل در ایران و تهدید کسانی که تحصیلات دینی دارند و یا در ایران تحصیل کرده اند، هیچ گونه شغل و منصب دولتی اعطاء نخواهد شد، تعطیلی تمام مدارس دینی و اسلامی در کشور و محروم کردن همه طلبه‌های مدارس دینی از امتیازات اجتماعی و ممنوعیت برگزاری مراسم مذهبی و عزاداری ماه‌های محرم و صفر و تعیین زمانی یک یا دو ساعته در داخل مساجد، آن هم با حضور حداکثری نیروهای امنیتی موجب شده است تا در داخل و خارج آذربایجان اعتراضات گسترده ای پدید آید.

در داخل آذربایجان، این اقدامات به موازات دستگیری تمام فعالان سیاسی و مذهبی به ویژه اعضای «حزب اسلامی» این کشور به اتهام نگهداری سلاح غیرمجاز و یا داشتن مواد مخدر و یا اخلاف در نظام امنیتی کشور موجب تشدید فعالیت اعتراضی این حزب شد. چنانچه حزب یادشده برای برگزاری تظاهرات در باکو چندین بار درخواست خود را به فرمانداری باکو ارایه کرد اما مقامات فرمانداری باکو با برگزاری تظاهرات اعضای این حزب در باکو موافقت نکردند و در نهایت پس از 9 ماه بازداشت و پایان محاکمه رییس و شش عضو حزب اسلامی جمهوری آذربایجان، دادگاه کیفری باکو «حاج محسن صدا» رییس این حزب را به 12 سال حبس و شش نفر دیگر از اعضای آن را بین 10 تا 11 سال حبس محکوم کرد.

در خارج از آذربایجان نیز این اقدامات حساسیت‌های فراوانی در سطح محافل رسمی و غیر رسمی ایران بویژه نزد مراجع تقلید که بسیاری از شیعیان آذربایجان از مقلدان آن‌ها به شمار می‌روند

پدید آید، و این محافل با موضع گیری‌های متعدد و ارسال پیام های مختلف خواهان توقف این اقدامات شوند؛ اقدامی که از سوی دولت آذربایجان نشانه دیگری از مداخله ایران در امور داخلی آذربایجان تعبیر شد و این امر نیز بر افزایش تنش میان دو کشور در این مقطع زمانی بسیار تاثیرگذار بود.

اما سومین عامل مهم در افزایش تنش را باید تشدید همکاری های سیاسی و اطلاعاتی- امنیتی آذربایجان با ایالات متحده و بویژه اسرائیل دانست. عضویت باکو در سازمان های یورو-آتلانتیکی و همکاری با رژیم اسرائیل موضوع جدیدی نیست و این موضوع همواره با حساسیت از سوی ایران دنبال می شده است، اما در طی دو سال گذشته به موازات افزایش فشار جهان غرب و اسرائیل علیه ایران در قبال پرونده هسته ای، روند و دامنه این همکاری ها به نحو چشمگیری گسترش پیدا کرده است که همین امر موجب تشدید حساسیت ها در محافل سیاسی، اطلاعاتی و امنیتی ایران شده است.

اظهار نظر مقامات ارشد سیاسی و اطلاعاتی اسرائیل به خوبی موبد این امر است. به عنوان مثال تایمز آو لاندن، به نقل از شیمون عامل شبکه های جاسوسی اسرائیل نوشت: «جمهوری آذربایجان برای کار اطلاعاتی یک منطقه امن است. حضور ما در این جا بی صدا اما قابل توجه است. ما حضور خود را سال گذشته افزایش دادیم و این ما را به ایران خیلی نزدیک کرد. کشور جمهوری آذربایجان به طرز شگفت آوری پرمنفذ است». اسناد محرمانه ویکی لیکس که آوریل گذشته منتشر شد، نیز فاش کرد که رژیم صهیونیستی از خاک این جمهوری جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی سابق طی چهار سال گذشته علیه ایران جاسوسی می کرده است. این اسناد متعلق به سفارت امریکا در باکو است که واشنگتن در ژانویه ۲۰۱۱ آن را ارسال کرده و مربوط به یک سفر وحید علی اف، مشاور امنیتی رییس جمهور آذربایجان به سرزمین های اشغالی است.

بر اساس اسناد ویکی لیکس، این سفر با هدف امضای قراردادی با تل آویو انجام شده که طی آن رژیم صهیونیستی اجازه استفاده از خاک جمهوری آذربایجان برای فعالیت های جاسوسی خود علیه ایران را خواهد داشت. این اقدامات به موازات تردد برخی از تروریست های مرتبط با ترور دانشمندان هسته یی ایران به جمهوری آذربایجان و برخورداری از برخی تسهیلات در آن کشور برای عزیمت به تل آویو و همکاری با شبکه های جاسوسی اسرائیل، دولت ایران را بر آن داشت تا جوانشیر آخوندوف، سفیر آذربایجان در تهران را به وزارت امور خارجه احضار و مراتب اعتراض دولت جمهوری اسلامی ایران را به وی ابلاغ نماید.

مدیرکل کشورهای مشترک المنافع و قفقاز وزارت امور خارجه در این ملاقات ضمن ارایه یادداشت اعتراض، از دولت جمهوری آذربایجان موکداً خواست که از فعالیت های سازمان جاسوسی موساد علیه جمهوری اسلامی ایران در خاک آن کشور جلوگیری شود. علاوه بر همکاری های اطلاعاتی آذربایجان با اسرائیل، مواردی نظیر افشای استقرار رادارهای جاسوسی آمریکا در خاک آذربایجان برای نظارت بر ایران، قتل یک سرباز ایرانی توسط مرزبانان جمهوری آذربایجان و اعلام آمادگی جمهوری آذربایجان برای میزبانی از منافقین نیز موجب واکنش شدید مقامات سیاسی و امنیتی ایران گشت. از این رو، تشدید دامنه و سطح همکاری های اطلاعاتی و امنیتی آذربایجان با آمریکا و اسرائیل؛ آن هم در شرایطی که ایران در شرایط بسیار حساسی به سر می برد- به موازات جنبش های اعتراضی در داخل آذربایجان و سیاست های ضد دینی دولت این کشور موجب افزایش تنش در مناسبات دو کشور همسایه را در طی دو سال گذشته فراهم ساخته است که قطعاً به نفع هیچ یک از دو طرف نیست و تنها به بی ثباتی بیشتر منطقه کمک خواهد کرد. به نظر می رسد نگاه واقع بینانه به تحولات، در نظر گرفتن منافع متقابل و دراز مدت، پرهیز از اتهام زنی و سازماندهی گفتگوهای مستقیم با هدف برطرف کردن اختلافات و سوء تفاهات پیش آمده، عاقلانه ترین و کم هزینه ترین راه برای عبور از شرایط شکننده کنونی خواهد بود.